

نگرانی هادر مورد صلح افزایش می یابد

عبدالله هروی

سرمقاله

دولت وحدت ملی و مسئله صلح

محمد رضا هویدا

دولتمردان افغانستان چه در زمان مبارزات انتخاباتی و چه در حکومت وحدت ملی به مسئله صلح به عنوان یکی از اولویت های خود بها داده اند. دولت افغانستان برای صلح طرح های جدی و به حتما به باور بسیاری از کارشناسان چرخش های کلانی در سیاست های خارجی خود داشته است. عمده سفرهای خارجی رئیس جمهوری در چند ماه گذشته به خاطر پیشبرد امور صلح تعبیر شده است. سفر رئیس جمهوری به چین، پاکستان و عربستان سعودی به عنوان سفرهایی برای پیشبرد امور صلح و راضی ساختن یا مجبور ساختن طالبان به نشستن بر سر میز مذاکره عنوان شده است.

تغییر موضع های دولت افغانستان در قبال پاکستان و هندوستان که به نحوی سبب خوشنودی یک کشور ودلسردی یک کشور دیگر شده است نیز به نحوی به مسئله صلح بر می گردد. دولت افغانستان همانند دولت های گذشته به مسئله صلح بسیار اهمیت می دهد و در روش و شیوه خود در قبال صلح چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی شیوه های متفاوتی را برگزیده است. رئیس جمهوری سابق نیز در مواقعی از سیاست خارجی دولت فعلی انتقاد کرده است. برداشت حامد کرزی از تلاش های دولت فعلی برای صلح، امتیاز دادن به یک کشور و از دست دادن کشور دیگر است.

سفرهای رئیس جمهوری به عربستان سعودی که از گذشته نفوذ قابل توجهی بر طالبان داشته است و چنین تصور می شود که به خاطر استفاده از نقش عربستان برای راضی ساختن طالبان به گفتگوهای صلح می باشد، در صورتی که منتج به نتیجه باشد و بتواند طالبان را به صلح متقاعد بسازد، در نوع خود فعال بودن افغانستان و استفاده از ابزارهای لازم برای پیشبرد صلح را می رساند. تمام اینها در زمانی است که افغانستان بتواند اصول و قواعد و دستاوردهای سالهای گذشته را با خود داشته باشد و حفظ کند و البته پیش از آن، راهی که برای صلح انتخاب شده است، نیز همان راهی باشد که دولت افغانستان را به صلح برساند.

دولت افغانستان باید توجه داشته باشد که این کشور بهایی بسیار سنگینی را برای صلح پرداخته است. افراد زیادی برای رسیدن به صلح قربانی شده اند و اموال زیادی برای همین هدف به مصرف رسیده اند و همین گونه زمان زیادی صرف شده است تا صلح با طالبان به دست آید. در حال حاضر نیز افغانستان کار بزرگی را شروع کرده است تا به صلح دست یابد. آنچه افغانستان در امروز انجام می دهد برای قدرت های منطقه ای و جهانی قابل تامل و تعجب است و مطمئنا در این امر افغانستان باید جانب احتیاط را داشته باشد.

دولت مردم نباید افغانستان را وارد بازی ها و کشمکش های منطقه ای بسازد که برای افغانستان سودی نداشته باشد. سودی که افغانستان برای دستیابی به صلح با طالبان حاصل می کند باید قیمت گذاری شود و راه رسیدن به صلح نیز باید بهترین راهها جستجو شود.

سئوال مردم نیز همین است که آیا راههای که تا کنون برای رسیدن به صلح استفاده شده و می شود بهترین راه ها هستند؟ دولت گذشته ثابت ساخت که راه هایی را که برای رسیدن به صلح استفاده کرده بود، منتج به صلح نشدند و بنا بر این راه های خوبی برگزیده نشده بود. اکنون راهی را که دولت جدید برای صلح می پیماید، آیا می تواند افغانستان را به سوی صلح رهنمون شود؟ چنین تصور می شود دولت عربستان و همین گونه پاکستان و شماری از کشورهای دیگری در منطقه می توانند افغانستان را برای رسیدن به این هدف یاری رسانند ولی در عین حال باز شدن پای شماری از همین کشور و بیشتر شدن نقش آنها رقابیت های منطقه ای و جهانی را در افغانستان بیشتر خواهد ساخت. افغانستان به خاطر قرار گرفتن در میدان رقابت های جهانی و منطقه ای بار سنگینی را پرداخت کرده است.

آیا دولت جدید می تواند افغانستان را برای در چنین وضعیتی که مشکلات شدید داخلی نیز دامن گیر آن است به سوی صلح رهنمون شود. و آیا دولت وحدت ملی می تواند تدبیر کلی امور صلح را بدست بگیرد؟

داغ شدن مسئله گفتگو و صلح با مخالفان مسلح بخصوص طالبان با رفت و آمدهای دیپلماتیک و نظامی و استخباراتی دو کشور افغانستان و پاکستان و اعلام خوش بینی ها نسبت به این دید و بازدیدها نوعی از امیدواری را در فضای سیاسی کشور ایجاد نموده بود. همگان تصور می کردند که این بار شاید با درایت سیاسی افغانستان و مشکلاتی که دامنگیر پاکستان گردیده و نیز فشارهای منطقه ای و فراق منطقه ای روند صلح به سرمنزل مطلوب ختم گردد. اما با گذشت اندک زمانی متأسفانه زرمه های نگرانی در مورد موفقیت و یا چگونگی انجام گفتگو و صلح بگوش می رسد.

ایسن نگرانی ها در سطوح مختلف فضای سیاسی کشور اعم از اشخاص و نهادهای رسمی و غیررسمی بیان گردیده است. بطور مثال رئیس مجلس نمایندگان درباره چگونگی انجام گفتگو و صلح با مخالفان نگرانی خود را این گونه اظهار داشته است: در صورتی که صلح پایان جنگ را برای مردم افغانستان در پی نداشته باشد، این صلح جز اتلاف وقت چیز دیگری نمی تواند باشد.

عبدارووف ابراهیمی، رئیس ولسی جرگه این موضوع را روز گذشته در نشست عمومی این مجلس بیان کرده، گفت: باید گفتگوهای صلح در فضای شفاف برگزار شود و مردم افغانستان در جریان آن باشد. وی می افزاید که نباید گفتگوهای صلح در پشت پرده صورت گیرد. پیشتر از این رئیس مشورتگر چه نیز گفته بود صلحی که ما را زیر پرچم داعش برده پذیرفتنی نیست و با آن مخالف هستیم.

از سوی دیگر وزیر داخله کشور به گونه ای دیگر نگرانی خود را از روند صلح و نتیجه بخش بودن آن بیان داشته است. وی طی اظهاراتی گفته است: برای تأمین صلح و پایدار در کشور، باید پایه های صلح داخل نظام تقویت گردد. وزیر داخله کشور تأکید کرده است یکی از راه های رسیدن به صلح پایدار در افغانستان را حل اختلافات و ایجاد وحدت میان اقشار مختلف جامعه و شخصتهایی می داند که در داخل نظام فعالیت دارند. او که در یکی از مراسم های یاد بود سخن می گفت این موضوع را با

شکل صریحتر چنین اظهار داشته است: پایه های مصالحه را که به یک صلح پایدار در این جا مبدل کرده، از داخل خانه خود شروع کنیم. اختلافات جزئی که بنیادی نیست، این ها را حل کنیم؛ این خود برای ما نوید این را می دهد که هر مذاکره ای که در خارج به خاطر آوردن صلح در افغانستان پیش برود، خود به خود می تواند به یک صلح پایدار منجر شود.

در همین راستا محمد یونس قانونی معاون اول سابق ریاست جمهوری از حکومت می خواهد تا با مسأله صلح و ثبات در افغانستان از دقت لازم کارگیرد، ورنه پدیده جدیدی به نام گروه دولت اسلامی بی ثباتی در افغانستان را بیشتر خواهد ساخت. او گفت: تغییرات تکتیکی در کشور همسایه ما برای تأمین صلح و ثبات پایدار در افغانستان کافی نیست، صلح و ثبات

پایدار به تغییر استراتژیک نیازمند است؛ از این لحاظ تغییر تکتیکی که جغرافیایی جنگ را در افغانستان بجای دیگری منتقل بسازد، این نه صلح در افغانستان را تأمین خواهد کرد و نه ثبات پایدار را. همین گونه بعضی از اعضای شورای عالی صلح نیز نسبت به روند صلح و گفتگوها و ارتباط های اخیر اظهار بی اطلاعی نموده گفته اند که اعضای شورای عالی صلح در جریان هیچ یک از این مسائل قرار نگرفته اند و با آسان تانکون در هیچ زمینه ای مشوره نگرفته است. این نگرانی ها در حالی ابراز می گردد که پیش از این پیش از این رئیس جمهور اشرف غنی گفته بود که مردم در جریان گفتگوهای صلح قرار خواهند گرفت، هر گونه گفتگوی پنهانی صورت نخواهد گرفت. حال پرسش این که در این میانه چه اتفاقی افتاده است که نگرانی ها روز بروز در حوال افزایش است؟ آیا این نگرانی ها معطوف به مسئله عدم اعتماد و نبودباورمندی به تغییر سیاست پاکستانی ها می باشد یا به شیوه و سیاست حکومت افغانستان نسبت به قضیه؟ اگر آن چنان که رئیس جمهور گفته و وعده سپرده است که مسئله گفتگو با طالبان را در شفافیت تمام و با درجریان قراردادن مردم پیش خواهد برد و هیچ گونه پنهان کاری در

فرهنگ

ترجمه: ناتالی چوپینه

تقش ها و انواع دست ساخته ها که می توانند فرق بین گروه های زیسته در زمان ها و مکان های مختلف را به ما نشان دهند. در عرصه ی نسبتن نوپای «پژوهش های فرهنگی»، واژه ی فرهنگ درمورد کل سامانه ای نمادهای یک جامعه به کار می رود؛ سامانه ای که دیگر تنها شامل فرهنگ «فرادست» و «فردوست» همیشگی نمی شود بلکه تبلیغات، ورزش، مد، هرزنگاری و در حقیقت هرچه را که بتوان در چارچوب «معنای» فرهنگی آن گنجانده، در خود جا می دهد. «فرهنگ» را می توان به هر معنایی به کار برد، پس از همین رو در حقیقت معنای خاصی ندارد، مگر در رابطه با مقایسه های ابهام آمیز و جهت گیریانه بین فرهنگ های «غربی» و «شرقی». بعضی ها، از جمله باستان شناسان، سعی می کنند یک معنای «درست» یا قراردادی برای این واژه مشخص کنند؛ در مقابل، «چندگانگی معنای نشانه ی چندگانگی بحث رابطه های موجود بین رشد و پیشرفت کلی بشر با این یا آن نحوه ی خاص زندگی، و نیز بین این دو با کارها و کاربست های هنر و هوشمندی است» (Williams ۱۹۸۲: ۹۱).

«فرهنگ» در این نقطه تقریبین به مرز هشدار می رسد؛ این یکی از آن کلمه هایی است که در صورت برخوردن به آن در یک بررسی تاریخی باید به دقت بازجویی اش کرد تا معلوم شود چگونه و در چه رابطه های به کار رفته و چه نوع پیش فرض هایی زمینه ساز استفاده از آن شده اند. با این حال، این واژه با همسایه های ابهام سازی ها و پیچیدگی های یک روش خاص برای شخصیت پردازی موضوع این مقاله ارائه می کند: «نظریه های فرهنگ». مقصود از این عبارت پوشش دادن همه ی جنبه های طرز فکر یونانیان و رومیان و اندیشه های آنان درباره ی جهانی است که در آن زندگی می کردند: اندیشه هایی که نه فقط برترین دستاوردهای هوشمندی و خلاقیت آنان (تاریخ تفکر، علم، فلسفه، و مانند این ها) بلکه مفاهیم و پیش فرض هایی را که زندگی توده های مردم را شکل می داد، از جمله سرفصل های دین و اسطوره و فرآیندهای فکری زیرساز این مفاهیم را نیز دربر داشت.

این مبحث بی نهایت گسترده است و به بیشتر موضوع های علوم انسانی دامن می کشد. برای نمونه، برداشت یک جامعه از تفاوت جنسیتی را می توان جزء «فرهنگ» از جامعه دانست. پس بی تردید بسیاری از نظریه های مورد بحث در این جا، اگر فراگیر بودن شان را بپذیریم، در ادراک ما از رابطه های بین دو جنس در روزگار

توبل نمایی

ریچموند ویلیامز عقیده دارد: «فرهنگ یکی از آن دو سه واژه ای است که در زبان انگلیسی از همه پیچیده تر اند.» (Williams ۱۹۸۲: ۸۷). همین یک واژه دنیایی معناها و مایه های گوناگون دارد و کاربرد فنی – تخصصی آن را در انواع رشته های آکادمیک – آن هم با تعریف هایی سرسراپا متفاوت – می توان دید. واژه ی فرهنگ در گفتگوی روزمره بیش از هر چیز برای اشاره به حوزه ی کنشگری های خلاقیت آمیز به کار می رود: ادبیات، هنر و موسیقی. البته در دهه های اخیر دامنه ی گسترده ی آن، علاوه بر چیزی که اکنون به عنوان فرهنگ «اولا» یا «نخبه» می شناسیم، فرهنگ «مردمی» را نیز دربر گرفته است. در حوزه ی باستان شناسی، این واژه در وهله ی نخست به مجموعه ی معینی از اشیای یافت شده اطلاق می شود: ترکیب مشخصی از شکل ها،



نداشته باشد و در نهایت به خواسته های تن در داده شود که منافع و اجماع جمعی بر سر آن وجود ندارد. همین طور این نگرانی نیز وجود دارد که مبادا مخالفین و حامیان شان بنام گفتگو و صلح بخشی از نیروهای شان را وارد ساختار نظام سیاسی ساخته و از این طریق فشار های نظامی و تبلیغاتی داخلی و خارجی را بر خود کاهش دهند و از جانب دیگر بخشی از این مخالفین با پنهان ها و نام های دیگر مثلا دولت اسلامی بازم به مخالفت مسلحانه خود ادامه داده و در واقع حکومت وحدت ملی را در تنگنای گریز ناپذیر و مشروعبت برانداز قرار دهند. بنابراین حکومت وحدت ملی مسئولیت دارد تا هرچه زودتر نسبت به انسجام و جلب اعتماد داخلی و ملی ساختن گفتگو و صلح با مخالفین مسلح تلاش ورزیده و راه کارهای لازم را بکار بندد. در غیر این صورت با عقبه غیر قابل اعتماد رفتن به روی میز مذاکره و گفتگو نتیجه لازم بدست نخواهد آمد و چه بسا که عواقب و لغزش های استراتژیک رخ داده و وضعیت را از این هم وخیم تر سازد.

اندر نسل سینه به سینه نقل شده، به سراغ ادبیات بارها سبقت خورده و روایت های هنری از این ادبیات می روند: روایت هایی حاصل تخیل خلاق یک فرد در راستا بر آوردن مقصودی کاملن متفاوت، تفسیرهای امروزین از دین های باستان حکایت از این دارند که محور تمرکز در آن دین ها بیشتر آیین و آداب بوده تا باور و اندیشه کم آکنونی یاد گرفته آنها را با گمان های ذهنی (تقریبن سراسر مسیحی) خودمان از دین محک نزنیم، بلکه به همان اندک شواهد مستقیمی که از معنا و مفهوم تحقیری یک دین برای پرستندگانش در دست داریم تکیه کنیم.

در نتیجه شکل بعدی پیش می آید: از کجا بدانییم تفسیر و تأویل ما درست و معتبر است؟ ما قادر به مطالعه ی مستقیم فرآیندهای تفکر باستان نیستیم، فقط دستاوردهای آن در اختیار ماست. ما نمی توانیم ثابت کنیم در ذهن فردی رومی که در حال تقدیم یک لنگه پای سفالی به پرستشگاه دینا در شهر نیمی (Nemi) بوده چه می گذشته است: فقط خود آن لنگه پا را در اختیار داریم یا یک مشت نظریه درباره ی معنای احتمالی ادبای از این دست.

نظریه های امروزین در باب ذهن و اندیشه درست به همین دلیل همچنان به شدت بحث انگیز مانده اند: چون هم قابل اثبات نیستند و هم در بسیاری موارد درست خلاف منطق عقل سلیم و کارکرد ذهن ما از آب درمی آید. بدین ترتیب شکاف عظیم بین داده های تجربی درباره ی ترتیب شریان های الکتریکی قسمت های مختلف مغز، تأثیر آسیب مغزی روی حافظه و مهارت های فکری و تأثیر داروهای مختلف روی خلق و خو و عاطف از یک سو، و درک و شناخت درست از طرز فکر و رفتار آدمها از سوی دیگر، همچنان برقرار مانده است. دست کم رویکرد روان شناختی را داریم که به وجود نوعی رابطه بین کارکردهای زیست شیمیایی مغز و حوال روحی فرد اشاره می کند؛ نظریه هایی که به بررسی محتوا و معنی اندیشه ها و احساس ها می پردازند می توانند محدودیت های رویکرد داروخواهی به بیماری های روانی را نشان دهند، اما امکان تأمین شواهد تجربی به پشتیبانی از تفسیرهای خود را ندارند. مسئله ی درستی و اعتبار به قوت خود باقی می ماند: کدام نظریه ها با تجربه و ادراک ما همخوانی بیشتری دارند، و می توانند پاسخگوی این حس درونی باشند که قواعد شاخصی بر رفتار انسان حاکم است؟ پاسخی که با اعتقاد قلبی ما به امکان رهایی از قید و بندهای زیست شناختی هم جور دربیاید؟

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com



- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسؤل: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکااتورست: خالق علی زاده

□ دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاہدی
□ مسئول وب سایت: محمد علی بیرامی

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

